بررسی سیر تاریخی علل و انواع مالیخولیا در طب ایرانی و مقایسه آن با افسردگی در طب رایج

محمد یوسف‌پور[ب*]، محمدمهدی اصفهانی[ب]، محمد کمالی‌نژاد[ج]، جمال شمس[د]

[الف] استادیار، گروه طب سنتی دانشکده پزشکی ساری و مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری

[ب] استاد، مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

[ج] محقق، گروه فارماکوگنوزی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

[د] دانشیار، گروه روانپزشکی و مرکز علوم رفتاری، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

چکیده

سابقه و هدف: افسردگی یک اختلال روانی است که از گذشته تا حال مطرح بوده و به‌عنوان دومین علت ناتوانی تلقی می‌شود طبعاً اینگونه بیماری‌ها در طب سنتی ایرانی نیز به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در این مقاله، علل و انواع مالیخولیا در طب سنتی ایرانی مورد مطالعه قرار گرفت و با افسردگی در روانپزشکی جدید مقایسه شد.

مواد وروش‌ها: تحقیق به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفت که نظرات اطبای ایرانی در زمینه علل و انواع مالیخولیا استخراج و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: اطبای طب سنتی مالیخولیا را به یک اعتبار به سه نوع مغزی و سیستمیک و مراقی تقسیم کرده‌اند که بسیاری از علائم نوع مغزی آن با افسردگی در طب رایج شباهت دارد. در منابع طب ایرانی، اعتقاد بر این است که نوعاً افزایش غیرطبیعی سودای غیرطبیعی در مغز، علت بروز بیماری مالیخولیاست.

نتیجه‌گیری: طبق نظر ابن سینا، علل مالیخولیا را در سه ارگان مغز، قلب و خون باید جستجو کرد. لذا در درمان این بیماری، باید به درمان بیماری‌های قلبی و خونی نیز اهتمام داشت. به نظر می‌رسد شایسته است این نظریه توسط محققان مورد بررسی و پژوهش‌های بالینی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مالیخولیا، اختلالات روانی، طب سنتی ایرانی.

تاریخ دریافت: تیر ۹۴

تاریخ پذیرش: شهریور ۹۵

مقدمه:

مالیخولیا، یکی از بیماری‌هایی است که در طب سنتی ایرانی، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت، و طبق تعریف، بیماری است که به‌سبب تغییر در عملکرد مغز به جهت تغییر در کیفیت مزاج مغز، بروز کرده و فرد را از فکر سلیم و گمان سالم، بازمی‌دارد، به‌طوری که بیمار، بدون علت ظاهری‌مشخص، دچاربدگمانی،ترس،توهم و غم می‌شود(۱،۲).

کلمه مالیخولیا معرَّب عبارت لاتینی«Melancholia» بوده و مرکب از Melanos (سیاه) و chole (خلط) است و لذا در عربی از آن به «المره السوداء» و در انگلیسی به «Black bile» تعبیر می‌شود(۳). علت بیماری مالیخولیا را افزایش غیر طبیعی ماده‌ای در بدن می‌دانند که از آن به خلط سودا و یا مرّه آن که سودایی غیر طبیعی است تعبیر می‌کنند و برحسب اینکه این خلط در کدام عضو تجمع یافته باشد به سه نوع کلی مالیخولیای مغزی، مالیخولیای مراقی و مالیخولیای به مشارکت تمام بدن (سیستمیک) تقسیم می‌شود(٤).

اگرچه در طب سنتی ایران، مبحثی به عنوان بیماری‌های روانی یافت نمی‌شود، اما با کمی تأمل در امراض مغزی، بیماری‌هایی را می‌یابیم که به علت اجتماع اخلاط فاسد (putrid humours) در مغز ایجاد می‌شود. این بیماری‌ها شامل مالیخولیا، رعونت و حمق، مانیا، داءالکلب، قطرب، صبارا و چند بیماری دیگر است، می‌باشد که می‌توان این دسته از

* فرد مسئول مکاتبات: m.yousofpoor@yahoo.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

بیماری‌ها را تحت عنوان «بیماری‌های روانی در طب سنتی » قرار داد. البته چهار بیماری آخر تحت عنوان بیماری‌های جنون طبقه‌بندی شده‌اند. (۵)

مطالعات دو دهه گذشته، تأیید کرده است که اختلالات روانی به‌ویژه افسردگی، یکی از مهم‌ترین معضلات پزشکی جهان امروز بوده که طبق پیش‌بینی‌هایWHO، تا سال ۲۰۲۰، افسردگی، دومین علت منجر به‌ناتوانی درجهان خواهد شد(٦).

متأسفانه مهم‌ترین مشکل موجود در مدیریت این اختلالات، علیرغم شیوع بالای آنها، ناشناخته ماندن علل آن است که این امر درمان آنها را با مشکلاتی مواجه کرده است. (۷) جهان پزشکی امروز در حال حرکت به سمتی است که طب سنتی و مکمل را با طب کلاسیک تلفیق کند. (۸) بدان امید که شاهد اثربخشی بیشتر در درمان و نیز کاهش عوارض جانبی باشد. (۹) بنابراین یکی از راه‌های ممکن و توصیه‌شده در زمینه تشخیص و درمان این اختلالات، استفاده از ظرفیت بالای مکاتب طبی مختلف است.

طب سنتی ایران (TPM) یکی از قدیمی‌ترین و باشکوه‌ترین مکاتب طبی دنیاست که سهم مهمی در تاریخ پزشکی دنیا ایفا کرده است. (۱۰) این مکتب طبی، بزرگانی چون علی ابن ربن طبری، محمد ابن زکریای رازی، ابوالحسن طبری ترنجی، علی ابن عباس اهوازی، حسین ابن عبدالله ابن سینا، سید اسماعیل حسینی جرجانی و ... را به جهان بشریت معرفی کرده است.

بیماری مالیخولیا به‌ویژه نوع مغزی آن به لحاظ علائم بسیار نزدیک به اختلالات خلقی به‌ویژه افسردگی اساسی در روانپزشکی طب نوین می‌باشد. (جدول ۱)، علاوه بر این در نظام طبقه‌بندی معتبر DSM-V TR، اختلالات مالیخولیایی (Melancholic disorder) به عنوان یکی از انواع اختلالات افسردگی اساسی طبقه‌بندی شده است. (۱۱) که به نظر می‌رسد این بیماری‌ها از ماهیت مشترکی برخوردار باشند، بنابراین می‌توان از برخی نکات کلیدی که پزشکان بزرگ TPM، در سبب‌شناسی و درمان بیماری مالیخولیا مطرح کرده‌اند استفاده‌های بالینی مفیدی به‌عمل آورد.

جدول ۱ : مقایسه علایم مالیخولیا با افسردگی ماژور

مالیخولیا	DSM-V TR Criteria for Major Depressive Episode
زیادی غم بدون سبب و گریه	Depressed mood
ناامیدی(آیسا من الخیر)، حب خلوت، انزوا	Markedly diminished interest or pleasure in all or almost all activities
لاغری بدن (قحل)	Significant (>5% body weight) weight loss or gain
اشتهای زیاد	increase or decrease in appetite
بیداری و کم‌خوابی اما در بلغمی‌ها پرخوابی	Insomnia or hypersomnia
قلق یا بیقراری	Psychomotor agitation or retardation
کسلی، قلت حرکت	Fatigue or loss of energy
زیادی خیالات فاسده	Feelings of worthlessness or excessive or inappropriate guilt (which may be delusional)
اندیشه بسیار، زیادی فکر و وسواس دائمی	diminished ability to think or concentrate
دوست داشتن مرگ (میل به خودکشی)	recurrent thoughts of death (not just fear of dying) recurrent suicidal ideation

ما در این مقاله به وجوه اشتراک و اختلاف نظرات اطبای شهیر طب سنتی در مورد علل و انواع مالیخولیا می‌پردازیم بدان امید که افق‌های جدیدی فرا روی محققان گشوده شود.

مواد و روش‌ها:

در این پژوهش که یک مطالعه کتابخانه‌ای است، ابتدا نظرات اطبای مشهور طب سنتی در زمینه انواع و علل بیماری مالیخولیا از کتب طبی آنان همچون فردوس الحکمه، الحاوی، معالجات بقراطیه، کامل الصناعه، قانون، ذخیره خوارزمشاهی و چند کتب طبی دیگر گردآوری شده است؛ سپس سیر تاریخی، وجوه اشتراک و اختلاف نظرات اطباء در این باب مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و جهت سهولت در کار خلاصه نظرات آنان در جدولی نیز ارائه شده است و نهایتاً ضمن جمع‌بندی نظرات آنان، ۲ نکته کاربردی بسیار مهم در زمینه نقش قلب در بروز بیماری مالیخولیا و درمان آن بیان شد که با توجه به قرابت این بیماری با اختلالات خلقی و اسکیزو افکتیو

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

در روانپزشکی جدید، شایسته است این دو نکته توسط محققان مورد بررسی و پژوهش‌های دقیق بالینی قرار گیرد.

یافته‌ها:

وجوه اشتراک نظرات اطباء

تقریباً تمام اطباء مالیخولیا را بر حسب مکان مادهٔ مسبب آن به دو نوع کلیِ مالیخولیای مغزی و مشارکتی تقسیم کرده و نوع مشارکتی را نیز به دو قسمِ مالیخولیای به مشارکت تمام بدن و مالیخولیای به مشارکت اعضای خاص (مراقی)، تقسیم کرده‌اند.

تقریباً تمام اطباء سبب کلی حدوث مالیخولیا را تغییر مزاج مغز و به تبع آن روح نفسانی، به سوداویت (ساذج یا مادی) می‌دانند.

تقریباً تمام اطباء مادهٔ مسبب مالیخولیا را افزایش سودا می‌دانند.

وجوه اختلاف نظرات اطباء

۱. بقراط، تنها طبیبی است که افزایش سردی و تری مزاج مغز که موجب سستی و ناتوانی مغز می‌شود را زمینه ساز بیماری مالیخولیا می‌داند(۱۲).

۲. حکیم رازی ظاهراً فقط افزایش خلط سودای طبیعی را به عنوان ماده مسبب بیماری می‌داند و مرّهٔ سودای ناشی از سوختن صفرا، بلغم و یا خون را ماده علت بیماری نمی‌شناسد. شیخ‌الرئیس گرچه در ابتدا با رازی هم‌نظر است، ولی در انتها، سودای غیر طبیعی را مادهٔ مسبب بیماری می‌داند(۱).

۳. برخلاف تمام اطباء فقط علی ابن ربن طبری و لطیف قزوینی علت این بیماری را حرارت و یبوست مغز، دانسته‌اند و اصلاً حرفی از خلط سودا به میان نمی‌آورند، گرچه قزوینی، این بیماری را از سوختن اخلاط (احتمالاً اکسیداسیون مواد داخل خون) می‌داند(۱۳).

٤. جناب ابوالحسن طبری ترنجی ظاهراً تنها کسی است که معتقد است فقط مالیخولیای به مشارکت تمام بدن، با فصول سال، تغذیه و تدابیر نیکو تغییر کرده و کم و زیاد می‌شود(١٤).

۵. علی ابن عباس در بیان علل مالیخولیا، « خوف و حزن » را هم ذکر می‌کند و می نویسد «ربما حدثت هذه العلّه من خوف و حزن » (۱۲). رازی در الحاوی « فزع و خوف » را لازمه بیماری مالیخولیا می‌داند، نه علت آن و می‌نویسد « الفزع و الخوف لازم لهم فی کل حین » یعنی در هر نوعی از مالیخولیا، فزع و خوف لازمه بیماران است.(۱۵) زهراوی هم در التصریف از اعراضی سخن به میان می‌آورد که می‌توانند علت بیماری باشند و آنها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: ۱- نفسانی ۲- بدنی و در بخش اعراض نفسانی، این موارد را ذکر می‌کند:

« تفکر طولانی، جستجو و تحقیق دقیق در معانی و امور علمی سخت، کثرت تدریس کتب فلسفی و استخراج نتایج برهانی، عبادات طولانی از شدت شوق به خداوند جلّ و اعلی، غم و ناراحتی فراوان به جهت فقدان محبوب یا فوت مطلوب، مرگ دوست و از دست رفتن مال و کتب و غیره.» البته این تقسیم‌بندی اعراضی که می‌توانند علت بیماری باشند نیز تنها در التصریف آمده است(١٦). جناب شیخ الرئیس هم افراط غم و خوف را از علل قویه مالیخولیا ذکر می‌کند(۱). و نهایتاً اینکه حکیم بهاء الدوله رازی هم همانند جناب شیخ، بر این نکته تأکید دارد که غم یا خوف مفرط از علل قویه مالیخولیا به‌حساب می‌آیند: «بدان که سبب قوی در مالیخولیا، غم مفرط یا خوف مفرط بود به جهت بودن این مرضِ موجبِ تبدیلِ عظیمِ در احوال دل و دماغ و روح آنها» (۱۷)

٦. جناب شیخ الرئیس اولین کسی است که بین سبب و مسبب در این بیماری فرق قائل شده است به این بیان که نزد شیخ ماده مسبب بیماری، سودای طبیعی یا غیر طبیعی است، ولی سبب آن، سوءمزاج سرد و خشک ساده یا مادی مغز است. (۱) پس از شیخ الرئیس، جناب بهاءالدوله رازی، حکیم عقیلی خراسانی و حکیم اعظم خان نظراتی تقریباً عین نظرات جناب شیخ را ارائه می‌کند، گو اینکه قانون را ترجمه کرده‌اند. البته حکیم ارزانی علل این بیماری را به دو نوع کلی و جزئی تقسیم کرده و بدون اینکه نامی از سوءمزاج مغز ببرد، می‌نویسد : « بدان که سبب کلی این مرض آنست که

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

آفت در دماغ لاحق شود و بدان سبب افعال قوتهای دماغی باطل شود یا ناقص گردد یا مضطرب، به حسب ضعف و قوت سبب و اسباب جزئیه یا سوداست یا مره سودا(٤) .

۷. جناب شیخ الرئیس اولین کسی است در تاریخ طب که نقش قلب و بیماری‌های آن را در مالیخولیا مطرح و مکانیسم آن را بیان می‌کند؛ بدین صورت که وی ابتدا سبب مالیخولیای مغزی را به دو نوع سوء مزاج سرد و خشک ساده و مادی، تقسیم کرده، سپس مالیخولیای نوع سوء مزاج سرد و خشک ساده مغز را ناشی از « سوء مزاج سوداوی قلب » دانسته که مغز در آن مشارکت دارد و مکانیسم آن را اینگونه بیان می‌کند که: به‌دنبال تغییراتی در خون، قلب دچار بیماری سوداوی شده و مزاج روح حیاتی که در قلب است نیز تحت تأثیر آن تغییر می‌کند و به تبع آن، روح نفسانی که در مغز است و به روح حیاتی متصل بوده و از جوهر آن است نیز سوداوی می‌شود و لذا فساد مزاج قلب از طریق ارواح به مغز منتقل شده و فساد مزاج مغز موجب بروز مالیخولیا می‌شود. ابن سینا عقیده دارد، ممکن است علل دیگری غیر از بیماری قلبی نیز موجب بروز مالیخولیا شوند، ولی تأکید می‌کند ممکن نیست آن علل بدون مشارکت قلب بتوانند موجب این بیماری شوند و لذا می‌نویسد: « لابدّ من أن یکون علاج القلب مع علاج الدماغ فی هذا المرض » یعنی «در درمان این بیماری، چاره ای جز درمان بیماری قلبی همراه درمان مغزی نیست» (۱)، این مورد را هم پس از شیخ تنها بهاء الدوله رازی و عقیلی خراسانی مطرح کرده‌اند.

۸. شیخ الرئیس، مالیخولیای خارج مغزی یا همان نوع مشارکتی را به سه نوع تقسیم می‌کند که دو نوع اول با نظر اکثر اطبا مشترک است که مالیخولیای ناشی از امتلاء تمام بدن و مراقی می‌باشد، اما شیخ نوع سومی را مطرح می‌کند که علت، خارج مغزی است اما مبدأ تولدِ مغزی دارند همانند اینکه ورم گرمی در معده باشد و بخارات ناشی از آن، رطوبات مغز را سوزانده و موجب بروز مالیخولیا شود(۱).

۹. حسینی جرجانی اگرچه در ذخیره، دو نوع کلی از مالیخولیا را نام برده و شرح می‌دهد که مالیخولیای مغزی و مشارکتی باشد و از بیان مالیخولیای مشارکتی، فقط مالیخولیای مراقی را مد نظر دارد و نامی از مالیخولیای به مشارکت تمام بدن نمی‌برد؛ اما در الاغراض الطبیه، نوع اخیر مالیخولیا را هم ذکر می‌کند(۵).

۱۰. نجیب الدین سمرقندی در متن « الاسباب و العلامات» و نفیس در شرح آن، پس از آنکه مالیخولیا را بر حسب محل ماده مسبب به سه نوع کلی تقسیم می‌کند، مالیخولیای مشارکتی ناشی از امتلاء کل بدن از سودای غیر طبیعی را به تناسب اخلاط چهارگانه به چهار دسته تقسیم می‌کند. (۱۸) حکیم علی ابن عباس نیز اگرچه علل این بیماری را به تناسب اخلاط چهارگانه تقسیم نمی‌کند، ولی در بخش علائم اختصاصی انواع این بیماری، علائم مالیخولیای ناشی از امتلای کل بدن ناشی از سودای غیرطبیعی را به اعتبار نوع خلط بیان می‌کند که البته نامی از مالیخولیای بلغمی نمی‌برد. (۱۲) حکیم اعظم خان در اکسیر برخلاف شرح الاسباب و العلامات، مالیخولیا را به‌طور کلی به چهار قسم تقسیم کرده و می‌نویسد: « مالیخولیا، اگر از غلبه سودا و سوختن آن افتد، مالیخولیای سوداوی و اگر از سوختن خون، صفرا و بلغم عارض شود، مالیخولیای دموی، صفراوی و بلغمی خوانند.» سپس به دنبال بیان نظرات شیخ، همان سه نوع کلی مالیخولیا را ذکر می‌کند(۱۹).

۱۱. نجیب الدین سمرقندی در متن «الاسباب و العلامات» گرچه در ابتدا همانند اکثر اطباء، مالیخولیا را به سه نوع کلی تقسیم می‌کند، ولی در ادامه برخلاف اکثر قریب به اتفاق اطباء، انواع چهارگانه جنون، اختلاط ذهن، رعونت و حمق را نیز به عنوان انواع مالیخولیا ذکر می‌کند. وی همچنین بیماری عشق را با عنوان «ویقرب منها (ای من انواع المالیخولیا) العشق » آورده. یعنی با کمی تسامح و تساهل به عنوان نوعی از مالیخولیا می‌پذیرد. اما نفیس ابن عوض در شرح بخش انتهایی مبحث مالیخولیا، بعضی از انواع اختلاط عقل همانند اختلاط عقل ناشی از صفرای محترقه و یا بلغم متعفن و اختلاط عقل به‌علت حرارت و یبوست و نیز اختلاط عقل مشارکتی را به عنوان نوعی از مالیخولیا نمی‌پذیرد؛ به دلیل آنکه این موارد خالی از تب نیستند و باید جزء اقسام سرسام حار قرار گیرند، نه مالیخولیا که عاری از تب است؛ همچنین رعونت و حمق را به‌دلیل عدم وجود

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

خوف و فزع با آن و ضرورت وجود این دو علامت در مالیخولیا، رد می‌کند. با این حال ایشان متعرض اقسام چهارگانه جنون و عشق در این مطلب نمی‌شود؛ گویا اقسام جنون را از انواع مالیخولیا پذیرفته و در مورد عشق نیز تصریح دارد که اگر بیماری عشق ازمان یابد، علت آن تقویت شده تا اینکه امر عظیم گشته و تبدیل به نوعی از انواع مالیخولیا می‌شود(۲۰).

۱۲. در تکمله بند ۱۱ باید گفت، حکیم علی ابن عباس از ٤ نوع جنون تنها قطرب را جزء مالیخولیا لحاظ می‌کند، و بر آن تصریح دارد البته، ایشان در تبویب کتابشان عنوان مربوط به مالیخولیا را که باب هفتم از مقاله هشتم است اینگونه قرار داده اند « الباب السابع فی صفه المالیخولیا و القطرب و العشق الخ » (۱۲)که قطرب را جدای از دیگر بیماری‌های جنون همراه با مالیخولیا در یک باب تنظیم کرده‌اند. در مورد اختلاط عقل تصریحی مبنی بر آنکه این بیماری نوعی از مالیخولیاست ندارد، اما با توجه به تعریفی که از مالیخولیا ارائه کرده و آنرا اختلاط عقل بلا حمّی دانسته و از سوی دیگر اختلاط عقل را هم به دو نوع کلی « مع حمّی و خلوا من الحمّی» (۱۲) تقسیم کرده، می‌توان این برداشت را داشت که ایشان بعضی از انواع اختلاط عقل را، نوعی از مالیخولیا بدانند.

جناب شیخ الرئیس در قانون، از بیماری‌هایِ مذکور در بند ۱۱ فقط در مورد قطرب تصریح دارد که « و هو نوع من المالیخولیا» اما چنین تصریحی را در مابقی بیماری‌ها ندارد، البته در مورد اختلاط عقلی که از سودا باشد می‌نویسد: «با این نوع علامات مالیخولیا وجود دارد» و یا در مورد عشق می‌فرماید: «هذا مرض وسواسی شبیه بالمالیخولیا»، اما هیچ تصریحی مبنی براینکه این‌دو، نوعی از مالیخولیا باشد ندارد(۱).

حکیم سید اسماعیل حسینی جرجانی در الاغراض، جزء سوم که از بیماری‌های مغزی سخن به میان می‌آورد باب اول را به مالیخولیا و باب دوم را به انواع دیوانگی‌ها اختصاص می‌دهد و چهار نوع جنون را می‌شمارد که مانیا، داءالکلب، صبارا و قطرب باشد، قطرب را نوعی از مالیخولیا می‌داند. اگرچه در باب اول نامی از قطرب نمی‌آورد. (۵)

حکیم قرشی در الموجز قطرب و عشق را به عنوان نوعی از مالیخولیا می‌پذیرد. (۲۱)

صاحب خلاصه التجارب علاوه بر قطرب و عشق، رعونت و حمق را هم نوعی از مالیخولیا می‌داند.

حکیم ارزانی در طب اکبری، گرچه بیماری‌هایی چون اقسام جنون، اختلاط عقل و رعونت و حمق را در فصولی جدای از مالیخولیا شرح داده است، اما در ابتدای این فصول تصریح می‌کند که این بیماری‌ها نوعی از مالیخولیاست، در مورد عشق هم، بر این عقیده است که پس از استحکام به جهت لزوم غم، حب خلوت، سکوت و قلت مباشرت، مشابه مالیخولیا می‌شود(٤).

اما جناب عقیلی خراسانی، در مورد قطرب نظر متفاوتی نسبت به مابقی اطبا دارد، در ابتدا آنرا نوعی از مانیا می‌داند. در ادامه می‌نویسد: «آن نوعی از مالیخولیاست» و نهایتاً می‌نویسد: «فی الحقیقه این مرض، مرکب از سه مرض دماغی است، یکی قرانیطس دوم مانیا سوم مراق ... و دلیل بر آنکه مرض مرکب است، آنست که با آن هیمان و زوال عقل و جستن بسوی مردم و غیر آن از علامات قرانیطس و شهوت انتقام و غلبه بر مردم و گویا می‌خواهد بجهد بر مردم که از اعراض مانیاست که گویا کلب است و وسواس و فزع و بکاء و زوال نوم و غیر اینها از علائم وجع مراق ». در مورد عشق هم از قول بعضی اطباء آنرا مرضی وسواسی شبیه مالیخولیا می‌داند که بر اثر ازمان به نوعی از مالیخولیا تبدیل می‌شود. (۲۲) جهت سهولت در کار، جمع بندی نظرات اطباء در زمینه علل و انواع مالیخولیا در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲: علل و انواع مالیخولیا در طب سنتی در یک نگاه

نام اطبا	قرن	ماده مسبب	انواع
بقراط	پیش از اسلام	بخارات سوداوی	----------
جالینوس	پیش از اسلام	خلط و بخارات سوداوی	۱-مغزی ۲- مشارکتی [(الف) تمام بدن ب) معده]

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

نام اطبا	قرن	ماده مسبب	انواع
علی ابن ربن	۲و۳	حرارت و یبوست	مغزی ۲- مراقی
زکریای رازی	۳	خلط اسود	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳-مراقی
اهوازی	٤	خلط غلیظ، مره و بخار سوداوی	۱-مغزی ۲- مشارکتی [(الف) تمام بدن ب) معده وشراسیف] ۳- خوف و حزن
احمدالاخوینی	٤	سودای سوخته	۱-مغزی ۲-مشارکتی[(الف)تمام بدنب) سپرزو ماساریقا]-
زهراوی	٤	سودا،مره و بخار سوداوی	۱-مغزی ۲- مشارکتی [(الف) تمام بدن ب) مراقی]
ترنجی	٤	سودای غیرطبیعی	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳-مراقی
شیخ الرئیس	٥و٤	سودای غیر محترقه	۱-مغزی ۲- مشارکتی (تمام بدن،مراقی و مالیخولیایی که سبب آن در خارج مغز اما مبدأ آن در مغز است)
حسینی جرجانی	٦ و٥	سودای طبیعی و احتراقی	مغزی ۲- مراقی
نفیس ابن عوض	۹	مره و بخار سوداوی	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳-مراقی
بهاء الدوله رازی	۱۰	سودای طبیعی و غیر طبیعی	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳- عضو خاص
داوود انطاکی	۱۱	فرط احد الیابسین	۱-مغزی ۲- مشارکت معده
اکبر ارزانی	۱۲	سودا و مره سودا	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳-مراقی
عقیلی خراسانی	۱۲	سودا و مره سودا	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳-مراقی
اعظم خان	١٤	سودا و مره سودا	۱-مغزی ۲-ناشی از امتلاء تمام بدن ۳-مراقی ۱-دموی ۲- صفراوی ۳-سوداوی ٤- بلغمی
لطیف قزوینی	١٤	سوختن اخلاط اربعه	----------

در زمینه انواع مالیخولیا باید گفت، به‌طور کلی تقسیم‌بندی انواع این بیماری به دو اعتبار در کتب طبی آمده است:

الف) به اعتبار محل تجمع ماده مسبب که به سه نوع مغزی، سیستمیک و مراقی تقسیم شده است.

ب) و به اعتبار نوع خلط مسبب نیز به چهارنوع مالیخولیای دموی، صفراوی، سوداوی و بلغمی تقسیم شده است.

تقریباً تمام اطباء، مالیخولیا را به اعتبار اول تقسیم کرده‌اند، ولی تنها حکمایی چون نجیب الدین سمرقندی در اسباب و علامات و نفیس ابن عوض در شرح آن، ارزانی در طب اکبری و اعظم خان در اکسیر، مالیخولیا را علاوه بر نوع اول به اعتبار نوع دوم نیز تقسیم کرده‌اند.

اما در مقوله علل مالیخولیا هم باید گفت، تقریباً تمام اطباء سبب کلی حدوث مالیخولیا را تغییر مزاج مغز و به تبع آن روح نفسانی، به سوداویت دانسته و مادهٔ مسبب این بیماری را افزایش بیش از حد سودای طبیعی یا تولید سودای غیر طبیعی می‌دانند.

در این باب، نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت بوده و درخور تحقیق علمی است و برای اولین بار در تاریخ طب، جناب شیخ در قانون مطرح می‌کند این است که، در اکثر موارد

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

بیماری مالیخولیا، تغییرات خونی و به‌دنبال آن بیماری‌های قلبی، شروع کننده فرایند این بیماری هستند؛ اگرچه استحکام این بیماری در مغز حاصل می‌شود. البته ابن سینا عقیده دارد، ممکن است علل دیگری غیر از بیماری قلبی نیز موجب بروز مالیخولیا شوند، ولی تأکید می‌کند ممکن نیست آن علل بدون مشارکت قلب بتوانند موجب این بیماری شوند و لذا از دیدگاه ابن سینا، مهم‌ترین و بزرگترین علت بیماری مالیخولیا، برخی بیماری‌های سوداوی قلبی است.

نتیجه‌گیری:

این پژوهش بیانگر دو نکته بسیار مهم در نظرات ابن سیناست:

۱. ابن سینا، مالیخولیا را فقط یک بیماری مغزی نمی‌داند، بلکه آن را یک بیماری مغزی، قلبی و خونی می‌شناسد.

۲. در درمان بیماری مالیخولیا، باید به درمان بیماری‌های قلبی و خونی نیز اهتمام داشت.

با توجه به قرابت این بیماری با اختلالات خلقی در روانپزشکی جدید، شایسته است این دو نکته توسط محققان مورد بررسی و پژوهش‌های بالینی قرار گیرد.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

References:

1. Ibn Sina. Ghanoun fi Alteb (Cannon of Medicine). Volume 2. Beirut: Alalamy Publications; 2005.
2. Arzani MA. Mizan Altteb. Proliferation by the Institute of medicine history Studies, Islamic and Complementary Medicine. 2003.
3. Ibn Sina. Heart drugs. Correction by Razavi SH. Tehran: Ney Publication; 2008.
4. Arzani MA. "Teb e Akbari. Vol 1. Correction and research by the institute of natural medicine's revival, Qom: Jalaleddin publications; 2008.
5. Jorjani, SI. Alaghraz altabia va Almabahes alalaeia. Volume 1.Correction by Tajbakhsh H. Tehran University publication; 2005.
6. Murray, CJL, Lopez, AD. Alternative projections of mortality and disability by cause 1990-2020: Global burden Disease Study. Lancet. 1997.
7. Almeida OP, Alfonso H, Yeap BB, Hankey GJ, Flicker L. Cardiovascular diseases do not influence the mental health outcome of older men with depression over 6 years. J Affect Disord. 2012.
8. Braunwald E, Bonow RO. Cardiovascular Medicine. Braunwald's Heart Disease: A Textbook of Cardiovascular Medicine. 9 ed. Philadelphia: Elsevier Saunders. 2012.
9. WHO Traditional medicine strategy. 2002-2005. Geneva: WHO; 2002. 1-3. P 43-47.
10. Elgood C. Iranian Medical history and Lands of the Eastern Caliphate. Tehran: Amir Kabir publication; 1991.
11. Sadock BJ, Kaplan H, Sadock VA. Kaplan & Sadock's Packet Handbook of Clinical Psychiatry, 5th ed. Translated by Arjmand M, Rezaee, F, Faghani Jadidi N. Arjmand publication; Tehran: 2010.
12. Ahwazi AA. Kamel-o Al-sana'a Altibbiya. 1 ed. Qom: Jalaleddin publications; 2008.
13. Tabari AR. Ferdos al hekma. Tehran: Institute of medicine's history studies on Islamic and complementary medicine. 2008.
14. Tabari, AM. Moalejate boghratia. Tehran: Institute of medicine's history studies on Islamic and complementary medicine. 2010.
15. Razi MZ. Alhavi Fe al-teb. Volume 1. India: Daerato al Maarefe al Osmania publication; 1955.
16. Zahravary, AKA. Al-tasrif Leman Ajaz an Al-talif". Translated by Aram A, Mohaghegh M. Board of cultural figures works. 2005.
17. Razi, B. "Kholase al Tajareb". Proliferation by the Institute of medicine history Studies, Islamic and Complementary Medicine. 2010.
18. Kermani NE. "Sharh Alasbab va Alalamat". 1 ed. Qom: Jalaleddin publications; 2008.
19. Choshty MA. Exir e Azam. 1 ed. Proliferation by the Institute of medicine history Studies, Islamic and Complementary Medicine. 2008. P 200.
20. Kermani Nafis Ibn Evaz. Sharh Alasbab va Alalamat. 1 ed. Qom: Jalaleddin; 2008.
21. Qureshi, Ibn Nafis. Mojez alqanoun. Research by algharbavi abdolkarim. Cario; 1986.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

22. Aqili Khorasani, SMH. Moalejate Aghili. Tehran university of Medical Science; Institute for Islamic and Complementary Medicine. 2008.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]